

مصباح الارواح جمالی دهلوی



ضیاء الدین سجادی

استاد دانشگاه تهران

هنگامی که به تصحیح شرح قصیده مسیحیت شمس‌الدین محمدبن محمود لاهیجی برای نشر در «فرهنگ ایران زمین» اشتغال داشتم دیدم که چندبیت در آن ذکر کرده و نوشته‌است: «صاحب مصباح حالات او را چنین بد نظم آورده . . .» و چون مصباح‌الارواح شمس‌الدین محمد یرسیری کرمانی که غالباً آنرا به او حدس‌الدین کرمانی نسبت داده‌اند به تصحیح استاد علامه فقید فروزانفر در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محدوف است که سیر وسلوک عرفانی به راهنمایی پیری در آن طرح شده و در صفحه ۶۲ نیز تخلص به مدح خاتم‌النبین دارد، اما ابیات منقول در شرح قصیده مسیحیت در بحر رمل مسدس محدوف است. در اندیشه بودم که مصباح دیگری شاید بهمین نام «مصباح‌الارواح» باشد، و در تعقیب این اندیشه به مصباح‌الارواح حامدبن فضل‌الله جمالی دهلوی شاعر و عارف آخر قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری برخوردیم که در ۸۶۸ ه. ق سروده شده و خود او در ۹۴۲ ه. ق در گذشته‌است.

مصباح‌الارواح جمالی دهلوی نخستین مثنوی از هفت بخش بیسان حقایق احوال‌المصطفی است که بعد از آن احکام‌المحبیین، نه‌ایة‌الحکمه، ب‌دایة‌المحبة، هدایة‌المعرفه، فتح‌الابواب و شرح‌الواصلین است و بعضی از مآخذ مانند تاریخ نظم و نثر سعید نفیسی این هفت قسمت دو قسمت مصباح و شرح‌الواصلین دانسته‌اند. مصباح‌الارواح دارای چهار هزار و چهارصد و پنجاه بیت و آغاز آن اینطور است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ای طالب انوار اسرار و معانی و جویای تجلیات
ظاهر و باطن و مستسقی و تشنه زلال عشق و نگران طریق شهرستان عقل یک لحظه

بیدار باش و معنی الله نور السحوات و الارض مثل نوره کمشکوة . . . الخ آیه ، در ذکر مولود حضرت سید ولد آدم و سلطان عالم و آفتاب گیتی فروز اول ما خلق الله نوری بشنو و نظر در حقیقت اول ما خلق الله العقل کن . . . شرح این کلمات در سیر و روش نور حضرت محمد صلی الله علیه و علی آله و سلم گفته شود انشاء الله تعالی گوش و چشم دار (ظاهراً) و صلی الله علی النبی محمد و علی آله .

شحنه دل میل صحرا می کند ترك مستش فکر غوغا می کند
زلف پر پیچ و گره همچون کمند می گشاید تا کشد دلها به بند
و پس از مقدمات گفته :

ای جمالی هر که او شد احمدی بیشکی، یابد حیات سرمدی
بشنو اکنون قصه انوار او تا شوی عاشق ابر دیدار او
و از آنجا که آغاز داستان مولود حضرت رسول اکرم است و پس از چند بیت گفته :

حق تعالی اول این نور آفرید یرتو این نور شد نیکی پدید
و بعد روایت جابر بن عبدالله را نقل کرده که : « روی عن جابر . . . قال سألت رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم عن اول شیء ما خلق الله نال هو نور نبيك . . . »

بعد از آن هریک از این احادیث را در چند بیت بیان داشته و از اهل شریعت و طریقت سخن گفته و چند حکایت از جمله حکایت اسکندر رفتن به ظلمات و نیز حکایت رفتن خود را به حجاز آورده و نیز احادیث زیاد مانند حدیث «العجلة من الشيطان والثانی عن الرحمان» و نیز «طلب العلم فریضة . . .» و «كنت نبياً» و «و آدم بین الماء و الطین» و نیز آیات قرآن مانند «انا فتحنا لك فتحاً مبیناً . . .» و «انا عرضنا الامانة . . .» را ذکر کرده و نوری که در اصلاط شامخه رابحرام مظهره بود و سلسله نسب حضرت رسول را در شعر آورده و در ضمن به نام شیخ فریدس الدین عطار و حکایتی از او اشاره کرده است و غالباً به تخلص خود «جمالی» نیز

اشاره دارد مانند :

ای جمالی ترك آن بازار كن
يك زمان ذكر دل بيمار كن
ونيز :

ای جمالی رو به سوی قصبه‌باز
تا خبر یابد همی گوش نیاز
پیداست که به مناسبت آیه «الله نور السموات» و آمدن کلمه «مصباح» در آن
این مثنوی را مصباح‌الارواح نام نهاده و در يك جا می گوید :

ديلم آن مصباح چون نور صباح
يافت جانم از شعاع آن فلاح
و-حای دیگر گوید :

گر تو این مصباح روز رستخیز
خوش بخوانی بی ملال و بی ستیز
و در پایان مثنوی آورده‌است که :

هست این رسم قدیم ای سروران
که چو مولودی شود خوش آشکار
مطرب از شادی قصاید هر زمان
تا که میزان حقایق در حضور
بعد از آن مصباح روح عاشقان
ز آنکه بی مصباح ننماید جمال
ذکر نور مصطفی در منزلت
مانده بُد ده روز از ماه صفر
هشت سال و شصت سال و هشتصد
کاین حقیقت پرده صورت درید
در نهی گنجد کنون حرف و کلام
ز آنکه عشق صرف آمد والسلام

و بعد نوشته : «تم الكتاب بعون الله وحسن توفيقه والحمد لله رب العالمين
والصلوة والسلام على سيد المرسلين وآله الطيبين». و در آغاز کتاب احکام‌الاحیین
که بعد از مصباح‌الارواح است نوشته : « . . ابتدای کتاب مصباح‌الارواح آیه‌الله

نور السموات والأرض بود وصفت نور وعقل .

اما نسخه مورد استفاده ما ، مجموعه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که از روی مجموعه پاریس به نشانه (S . P 813 بلوشه ۱۷۵۷) به عکس در آمده و ۸۵۳ برگ دارد و نستعلیق خوش است و هر صفحه ۲۱ سطر دارد ، و نوشته رسایل مثنوی و منظوم فضل‌الله جمالی اردستانی دهلوی در گذشته ۹۰۱ یا ۸۷۹ و این اشتباه است زیرا فضل‌الله اردستانی دیگری است و فضل‌الله دهلوی که حامد فضل‌الله بکنو دهلوی است و صاحب این مصباح‌الارواح در گذشته در ۹۴۲ هـ . ق غیر از اوست و دومی آثار دیگری نیز دارد که در همین مجموعه هست یعنی قدرت نامه و مهر نامه و نصرت نامه و فرصت نامه و هر آة‌الجبیب و رباعی عرفانی و یک مثنوی در شرح آثار اردستانی دارد که ربطی به این جمالی دهلوی ندارد. جمالی دهلوی کتاب سیر العارفين و تذکره‌ای در مقامات و احوال مشایخ چشتیه و سهروردیه هند دارد که اولی در سال ۱۳۱۱ هـ . ق در هند چاپ شده است ضمناً این جمالی دهلوی بغیر از جمالی اردستانی معروف به پیر جمال متوفی در سال ۸۷۹ هـ . ق است .

مصباح‌الارواح جمالی از نظر شعر فارسی خوب و یک دست است، مطالب و نکات جالب عرفانی دارد و شمول آن بر احادیث و اخبار و روایات جالب است ، کلمات و ترکیبات خاص فارسی به کار برده مانند «دنگ» و نیز ترکیباتی با پسوند «ناک» مانند «آبناک ، نورناک ، خوابناکان ، زنگناک و گردناک» کلمه «منزلات» در موارد زیاد به کار برده (ورق ۲۲) :

ذکر می بُد در میان فکرو جام شرح راه و منزلت خاص و عام

«حجب‌ها» در موارد چند از جمله در ورق ۲۳ :

این حجب‌ها که تو دیدی بدزنور این چنین مشکل نمود اندر حضور
در ورق ۲۹ ضمن نثر و وصیت حضرت علی بن ابی طالب به امام حسن و امام حسین فرزندانش را آورده و ترجمه فارسی آنرا به این عبارت : «وصیت نامه حضرت سیدالأتقیاء علی مرتضی علیه السلام ، حسن و حسین علیهما السلام آن زمان که ابن ملجم

آن حضرت را شمشیر زد . . . وصیت : اوصیکم بتقوی الله . . الخ ترجمه: وصیت می کنم شما را بتقوی خدای تعالی . . . »

در ورق ۱۳۲، روایتی از استاد ابوالقاسم قشیری باسناد از انس بن مالک آورده که قال رسول الله متی القی احبائی فقال اصحابه . . الخ» که این روایت در باب صحبت از رساله قشیریه هست (چاپ اول مصر ص ۱۴۵-احبابی) ترجمه آن در ترجمه رساله قشیریه (چاپ فروزانفر ص ۵۰۲) اینطور است : «کی بود که دوستان خویش را بینم یاران گفتند پدران و مادران ما فدای تو شوند ما نه دوستان توایم؟ گفت شما یاران منی ، اما دوستان من قومی باشند که مرا ندیده به من ایمان آورند و من بدیشان آرزو مندم » پس از آن می گوید :

این حکایت بشنو ای جوای حال	تا نمیری خوار در کنج ملال
تاچو مردان در ره حق کم زنی	بگذری از خویش و از ما ومنی
مستم اکنون می درم پرده جهان	تا نمایم روی سرخ عاشقان

حکایت

ببخیر باب این فقیر دردمند	در طفولیت به غربت اوفکند
بنده بودم بی خود و بی اختیار	بی وقوف از سیر و راه هر دیار
برد القصه مرا سوی حجاز	با دل غمگین و با سوز و نیاز

و بعد شرح رفتن به حجاز با پدرش و ملاقات پیری را بیان می دارد .

این روش را مصنف در تمام رسالات تا پایان شرح الواصلین ادامه داده و شرح الواصلین در این نسخه از ورق ۶۳۴ آغاز می شود به این دوبیت :

نام بسم الله الرحمن الرحیم	می سرایم بر صراط مستقیم
تا نمایم حسن شرح الواصلین	در صفای اولین و آخرین

جمالی در یک جا (ورق ۱۱) می نویسد : « اهل شریعت به مثال زیانند و اهل طریقت به مثال چشمنند و اهل محبت و عشق که محرمان سرا پرده حقیقت اند به مثال دلند و شرح این کلمات در نظم گفته شود ... »

امادر پایان جلد ۱۳ این مجموعه که آنرا میزان الحقایق نام نهاده اند در توصیف کتاب دارد که :

ای طلبکار لذت دو جهان از کف دل منه تو این میزان
 ای که خواهی حیات بالذات هان منه از کف دل این مرآت
 در ورق ۲۷ پس از معنی «الله نور السموات» و حدیث «اول ما خلق الله نوری» و بعد حدیث «اول ما خلق الله الفضل» را گفته و این نزدیک است به بیان سایر عرفا در کتب خود مانند صاحب مصباح الهدایه که در فصل هفتم از باب سوم کتابش سه حدیث «اول ما خلق الله نوری» و «اول ما خلق الله العقل» و «اول ما خلق الله القلم» را بیان داشته و شرح کرده و میان هر سه جمع کرده است و توان گفت که جمالی به این مطالب نظر داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مآخذ

- ۱- آشکده آذر
- ۲- تاریخ نظم و نثر در ایران سعید نفیسی
- ۳- تذکره نتایج الافکار قدرت الله کویاموی
- ۴- ترجمه رساله قشیریه
- ۵- حبيب السیر
- ۶- دائرة المعارف فارسی (۱-س)
- ۷- رساله قشیریه
- ۸- ریاض العارفین هدایت
- ۹- شرح قصیده خاقانسی از شمس الدین لاهیجانی به تصحیح دکتر سجادی
در فرهنگ ایران زمین سال ۵۱ .
- ۱۰- فرهنگ سخنوران خیامپور
- ۱۱- فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی
- ۱۲- لغت نامه دهخدا
- ۱۳- مجموعه عکسی میزان الحقایق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- ۱۴- مصباح الارواح شمس الدین بردسیری کرمانی تصحیح فروزانفر .
- ۱۵- مصباح الهدایه عز الدین محمود کاشانی تصحیح استاد جلال همایی .